

پیاده‌سازی الگوی زیان اعتباری مورد انتظار در بانکها؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹



شاهین کرزبر

مقدمه

بسیاری از مسائل فعلی نظام پولی و بانکی کشور تا زمانی که صورتهای مالی بانکها به‌عنوان یکی از مهمترین و مؤثرترین نهادهای مالی فعال در اقتصاد کشور شفاف نباشد، به‌صورت صریح و غیرقابل انکار نمایان نخواهد شد. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ (IFRS 9) به‌عنوان یکی از استانداردهای آینده مؤثر بر شفافیت صورتهای مالی بانکها، در صورتی که به‌صورت کامل و محتوایی اجرایی شود، وضعیت مالی و عملکرد بانکها را به‌شکل واقع‌گرایانه‌ای آشکار خواهد کرد. فراهم شدن چنین شفافیت تلخی، هرچند هزینه‌گرافی را بر نظام پولی و بانکی کشور تحمیل خواهد کرد، اما در نهایت باعث شناسایی هرچه بهتر نقاط ضعف نظام بانکی شده و ممکن است زمینه در مانگری مالی و التیام آن را بیش از پیش فراهم آورد؛ به این دلیل که نظام گزارشگری مالی ممکن است نقش هشداردهنده‌ای را در سطح کلان ایفا کرده و نیز چنانچه چشم بینا و گوش شنوایی برای توجه به این هشدارها وجود داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که به بهبود نظام پولی و بانکی و در نهایت کل اقتصاد کشور، منتهی شود.

بنابر چنین ضرورتی، در نوشتار پیش رو به یکی از پیچیده‌ترین بخشهای اجرای استانداردهای بین‌المللی در بانکها، یعنی پیاده‌سازی الگوی زیان اعتباری مورد انتظار^۱، پرداخته شده است. ابتدا، چرایی کنارگذاری الگوی زیان تحقق‌یافته مورد بررسی قرار گرفته و سپس الزامهای الگوی جدید تشریح و تجزیه و تحلیل شده و پس از آن، داده‌های مورد نیاز پیاده‌سازی آن به‌صورت مشخص، بیان گردیده است. بنابراین، هدف نوشتار حاضر روشن کردن بخشی از مسیر عملی حرکت به سمت استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ در بانکها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری کشور است. لازم به ذکر است، استاندارد یادشده از ابتدای سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا خواهد بود و فرصت چندانی برای فراهم کردن زیرساختهای لازم برای اجرایی شدن آن وجود ندارد. از آنجاکه تغییرهای الگوی جدید نسبت به الگوی قبلی (استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ (IAS 39)) بسیار بنیادین بوده و هنوز در سطح بین‌المللی نیز به‌صورت کامل پیاده‌سازی نشده است، ضرورت دارد تا با توجه به شرایط بانکها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری کشور به ابعاد مختلف الگوی جدید پرداخته شود تا به تدریج، زمینه حرکت به سمت این الگو در کشور ما فراهم شود.

متصور بود. مطابق با این الگو، تسهیلات اعطایی یک بانک باید در سه مرحله ۱، ۲ و ۳ منعکس شوند. استاندارد از الگوی سه مرحله‌ای با عنوان **رویکرد عمومی**^۳ نام برده است (IFRS 9, par 5.5.1). لازم به ذکر است، جداسازی این سه مرحله براساس میزان ریسک اعتباری بوده و هر چقدر ریسک تسهیلات اعطایی بیشتر شود، وامها به مراحل بعدی منتقل شده و در صورت بهبود وضعیت ریسک اعتباری، به مراحل قبلی باز خواهند گشت. بنابراین، انتقال تسهیلات در مراحل مختلف، همزمان با تغییرهای ریسک اعتباری، اعمال و افشا خواهد شد. هرچه تسهیلات به سمت مرحله سوم نزدیکتر شود، زیان اعتباری مورد انتظار بیشتری شناسایی خواهد شد. لازم به ذکر است، قرار گرفتن در هر کدام از این سه مرحله بر شیوه شناسایی درآمدها نیز مؤثر است.

مرحله اول

تسهیلاتی که پس از شناخت اولیه آنها ریسک اعتباری به شکل درخور توجهی افزایش نداشته است، در مرحله اول قرار گرفته و ذخیره ریسک اعتباری را به میزانی که انتظار داریم و احتمال می‌دهیم که نکول در ۱۲ ماه پس از تاریخ گزارشگری رخ دهد، در صورت‌های مالی شناسایی خواهد شد (IFRS 9, par 5.5.5). بنابراین، در این مرحله زیان اعتباری مورد انتظار با توجه به رویدادهای مرتبط با نکول که روی دادن آنها در ۱۲ ماه آینده محتمل است، اندازه‌گیری خواهد شد. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت وام‌های کم‌ریسک یا بدون ریسک قابل توجه، در این مرحله قرار می‌گیرند. شناسایی درآمد تسهیلات موجود در این مرحله، براساس ضرب کردن نرخ بهره مؤثر تسهیلات در مبلغ دفتری ناخالص وام، شناسایی خواهد شد.

مرحله دوم

تسهیلاتی که در تاریخ گزارشگری، ریسک اعتباری آنها نسبت به شناخت اولیه، به شکل قابل توجهی افزایش داشته باشد، به مرحله دوم منتقل شده و زیان اعتباری مورد انتظار برای کل عمر تسهیلات اعطایی اندازه‌گیری خواهد شد (IFRS 9, par 5.5.3). دلیل این امر آن است که با بالا رفتن ریسک نکول، معقول‌تر است تا ریسک اعتباری با توجه به کل رویدادهای نکول‌آمیزی که ممکن است در کل عمر تسهیلات محقق شود، در نظر گرفته شود. استاندارد،

چرایی تغییر الگوی قبلی و جایگزینی الگوی جدید

نقطه شروع یک الگوی جدید، پایان و انتهای یک الگوی دارای نقص است. عقل سلیم می‌گوید تولد یک الگوی جدید در گزارشگری مالی، ناشی از ناکارآمدی الگوی قبلی با توجه به گذشت زمان و به تبع آن تغییرها در محیط کسب‌وکار شرکتهاست. با توجه به مطالعه ادبیات موجود پیرامون موضوع تغییر الگوی زیان تحقق‌یافته، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل و انگیزه استانداردگذاران، ریشه در وقوع بحران مالی اخیر دارد. بحران یادشده نشان‌دهنده نقاط ضعف استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ در زمینه اندازه‌گیری زیان کاهش ارزش وامها است^۲. در واقع، سازوکار الگوی یادشده به نحوی است که در عمل، باعث تأخیر در شناسایی زیانهای اعتباری می‌شود. این تأخیر، ریشه در شرط وجود شواهد عینی کاهش ارزش به عنوان یک شرط اساسی برای شناسایی کاهش ارزش وامها است (EY, 2014; Lion Tong, 2014).

استانداردگذاران پس از آشکار شدن این شکاف، تلاش کرده‌اند در اندازه‌گیری کاهش ارزش داراییهای مالی، از اطلاعات مرتبط با آینده که معقول و اتکاپذیر باشند نیز استفاده کنند. چنین رویکردی را می‌توان نقطه شروع تولد الگوی زیان اعتباری مورد انتظار در گزارشگری مالی دانست (برای نمونه، می‌توان به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ (IFRS 9, 2014, par 5.5.17,c) رجوع کرد). الگویی که نام آن بیش از هر چیز دیگری، جمله معروف **بلیس** (Bliss, 1924) در مورد تعریف سنتی محافظه‌کاری را به ذهن نگارنده متبادر می‌کند. او گفت که سودها را پیش‌بینی نکنید؛ اما همه زیانها را پیش‌بینی کنید (Watts, 2003).

تشریح الگوی زیانهای اعتباری مورد انتظار

با توجه به تمرکز این مقاله بر اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ در بانکها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری کشور، الگوی زیان اعتباری مورد انتظار با تأکید بر تسهیلات اعطایی بانکها تشریح خواهد شد؛ هرچند که آنچه در ادامه بیان می‌شود، در دیگر واحدهای تجاری نیز کاربرد خواهد داشت. به‌طور کلی، می‌توان با توجه به الزامهای استاندارد جدید، ۳ مرحله را برای تسهیلات اعطایی بانکها

مرحله سوم

تسهیلاتی که به لحاظ اعتباری آسیب دیده باشند، در این مرحله طبقه بندی می شوند. تسهیلاتی آسیب دیده تلقی خواهند شد که یک یا چند رویداد زیان آور بر جریانهای نقدی آینده آنها اثر منفی گذاشته باشد (IFRS 9, 2014, Appendix and Defined Terms). این طبقه، مشابه با طبقه تسهیلات آسیب دیده الگوی زیان تحقق یافته در استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۳۹ است (EY, 2014). بنابراین، تسهیلاتی که شواهد عینی درخور اتکایی در مورد آسیب اعتباری آنها وجود داشته باشد، در این طبقه منعکس خواهند شد. برخی از این شواهد عبارت است از:

- وام نکول شود و مفاد قرارداد وام (مانند پرداختن اصل و بهره در زمانهای مقرر و سررسید) نقض شود؛
- ورشکستگی مشتری و یا تجدید ساختار وی محتمل باشد؛
- وام گیرنده دچار مشکل مالی جدی شده باشد؛ و
- بانک به دلیل شرایط اقتصادی و دلایل قانونی که با مشکلات مالی وام گیرنده مرتبط است، به وی امتیازی اعطا کند که در شرایط دیگر وجود ندارد (IFRS 9, 2014, Appendix A Defined Terms).

زیانهای اعتباری تسهیلات موجود در این مرحله نیز همانند تسهیلات مرحله ۲، دربرگیرنده کل عمر تسهیلات خواهد بود. وامهای نکول شده، در مرحله ۳ گزارش خواهد شد. نکته درخور توجه در این مورد آن است که استاندارد یادشده، نکول را تعریف نکرده و تعریف نکول، را به عهده واحد گزارشگر گذاشته است؛ اما یک فرض قابل رد در استاندارد وجود دارد مبنی بر اینکه نکول، دیرتر از ۹۰ روز دیرکرد در پرداخت اقساط بعد از زمان سررسید نخواهد بود. این فرض در صورتی رد خواهد شد که شواهدی وجود داشته باشد که گرچه ۹۰ روز گذشته اما وام نکول نشده است (IFRS 9, par B5.5.37).

با مطالعه طرحهای اجرایی در دست اقدام بانکهای بزرگ بین المللی مانند **اچ اس بی سی (HSBC)**، درمی یابیم که این بانک و برخی دیگر از بانکهای بین المللی قصد دارند دیرکرد بیش از ۹۰ روز در پرداخت اقساط را ملاک و معیاری برای انتقال وامها به مرحله سوم قرار دهند (به نظر می رسد آستانه ۹۰ روزه به عنوان معیار آسیب اعتباری تسهیلات اعطایی با شرایط داخلی کشور ما همخوانی نداشته و نیاز به تعیین آستانه یا آستانه های متناسب با شرایط داخلی داریم).

آستانه مشخصی را برای افزایش قابل توجه در ریسک اعتباری تعیین نکرده است. این امر ممکن است ناشی از تغییر رویکرد استانداردها از قاعده محور (تعیین آستانه دقیق کمی) به اصول محور (قضاوتی) باشد. در مقابل، نشانه هایی برای تشخیص افزایش یافتن ریسک اعتباری وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

- تنزل رتبه اعتباری مشتری (که از سوی مؤسسه های اعتبارسنجی تعیین می شود)؛
- تنزل رتبه اعتباری مشتری (سامانه رتبه بندی داخلی بانکها)؛
- کاهش قابل توجه ارزش وثایق تسهیلات؛
- افزایش قابل توجه ریسک اعتباری تسهیلات مشتریان مشابه؛ و
- تغییرهای اقتصادی نامساعد در وضعیت اقتصادی و تجاری که روی توانایی واحد تجاری در بازپرداخت تسهیلات، آثار منفی بگذارد.

همانطور که از نظر گذرانیم، هر چند که نشانه هایی برای افزایش درخور توجه در ریسک اعتباری اشاره شده است، ولی یکی از ابهامهایی که در مورد این مرحله مطرح است، ابهام در تعریف مشخص و صریح در عبارت افزایش درخور توجه و چشمگیر در ریسک اعتباری و تعیین نکردن آستانه مشخصی برای آن است. بدیهی است که این موضوع به رغم مزایایی که دارد، سهم بالایی از قضاوت را طلب خواهد کرد که به طور طبیعی در اجرای الگو در دنیای واقعی، مسائلی را به وجود خواهد آورد. بنابراین، یکی از ملاحظه های اجرایی لحاظ شده در استاندارد، فرض قابل ردی است که بیان می کند اگر تعداد روزهای دیرکرد پرداخت اقساط از سوی مشتری از ۳۰ روز بیشتر شود، ریسک اعتباری نسبت به شناخت اولیه افزایش قابل توجهی خواهد داشت و تسهیلات به مرحله دوم منتقل خواهد شد. البته، اگر بانک شواهد معقول و درخور اتکایی مبنی بر اینکه اگرچه ۳۰ روز از دیرکرد گذشته اما ریسک اعتباری افزایش نداشته است، ارائه کند، این فرض قابل رد خواهد بود (IFRS 9, par 5.5.11). همچنین، شناسایی درآمد تسهیلات این مرحله مشابه مرحله قبل و براساس ضرب کردن نرخ بهره مؤثر در مبلغ دفتری ناخالص وام، اندازه گیری و شناسایی خواهد شد.

مالی میان مراحل سه‌گانه، به‌طور کامل مشهود است؛ هر چند که استانداردها دگذار با توجه به مشکلات اجرایی، کماکان مجبور شده است به آستانه‌های کمی (همچون ۳۰ روز و ۹۰ روز) که نشانه‌ای از استانداردهای مبتنی بر قواعد است، روی آورد. با این حال، فراموش نکنیم این دو آستانه به‌عنوان فرضیهایی قابل رد ارائه شده است. خلاصه‌ای از سه مرحله یادشده در جدول ۱ آورده شده است.

اندازه‌گیری زیانهای اعتباری مورد انتظار

طبق بند ۵،۵،۱۷ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹، تمام واحدهای تجاری باید زیان اعتباری مورد انتظار را به‌طریقی که منعکس‌کننده سه اصل زیر باشد، اندازه‌گیری کنند: الف- یک مبلغ بی‌طرفانه و براساس احتمال وزنی که به‌وسیله ارزیابی نتیجه‌های محتمل تعیین شده است؛ در این بخش نیاز به برآورد کردن بهترین و بدترین سناریوهای آینده نیست؛ بلکه باید احتمال تحقق و تحقق نیافتن، در برآورد زیان اعتباری در نظر گرفته شود؛ حتی اگر به احتمال زیاد، نتیجه بدون زیان باشد (IFRS 9, par 5.5.18). به اعتقاد نگارنده، احتمال درج چنین گزینه‌ای در راستای جلوگیری از خوشبینی مدیریت در برآوردهاست. استاندارد بیان کرده که در عمل، رسیدن به مبالغ وزنی و احتمالی، پیچیده نیست؛ با این حال به‌نظر می‌رسد این موضوع در کشور ما چندان ساده

لازم به ذکر است، تفاوت عمده تسهیلات مرحله ۳ با مراحل قبلی، در شناسایی درآمد تسهیلات موجود این طبقه است. در این طبقه، درآمد از حاصل ضرب نرخ بهره مؤثر در مبلغ خالص ارزش دفتری وام (مبلغ مستهلک‌شده وام) محاسبه و ثبت خواهد شد. بنابراین، در این طبقه قبل از شناسایی درآمد باید ذخیره زیان اعتباری مورد انتظار از مبلغ دفتری تسهیلات کسر شود. در واقع، استانداردها دگذار در مراحل ۱ و ۲، شناسایی درآمد و زیان اعتباری را به‌عنوان دو بحث جدا از هم تلقی کرده است؛ در حالی که در مرحله سوم، درآمد تسهیلات و زیان اعتباری تسهیلات را به یکدیگر گره زده است که این موضوع یکی از مزایای اصلی استاندارد جدید تلقی می‌شود؛ زیرا در استاندارد قبلی این موضوع مسکوت مانده بود. به‌نظر نگارنده، یکی از آثار بااهمیت الگوی یادشده، جلوگیری از بیش‌نمایی درآمد بانکها و تقسیم منافع واهی در مجامع آنها است.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت شرط انتقال وام از مرحله ۱ به مرحله ۲، افزایش قابل توجه در ریسک اعتباری و شرط انتقال وام از مرحله ۲ به مرحله ۳، وجود شواهد عینی برای کاهش ارزش است. همانطور که از نظر گذرانیم، هدف الگوی جدید، پیوند زدن بیشتر حسابداری با ریسک اعتباری و منعکس کردن صحیح تغییرهای سطح ریسک در گزارشگری مالی است. به اعتقاد نگارنده، رد پای اصول محوری از نظر روش‌شناسی الگوی سه‌مرحله‌ای زیان اعتباری و انتقال و حرکت داراییهای

جدول ۱- خلاصه سه مرحله (Deloitte, 2014)

شرح	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
دوره زمانی زیان اعتباری	زیان اعتباری مورد انتظار در ۱۲ ماه آینده	زیان اعتباری برای کل عمر وام	زیان اعتباری برای کل عمر وام
شناسایی درآمد	نرخ بهره مؤثر ضرب در مبلغ ناخالص ارزش دفتری وام	نرخ بهره مؤثر ضرب در مبلغ ناخالص ارزش دفتری وام	نرخ بهره مؤثر ضرب در خالص ارزش دفتری وام (مبلغ مستهلک‌شده وام)
وضعیت ریسک	وامهایی که ریسک آنها نسبت به شناخت اولیه‌شان، افزایش چشمگیر نداشته است	وامهایی که ریسک آنها نسبت به شناخت اولیه‌شان، افزایش چشمگیر داشته است	وامهای آسیب‌دیده (وامهای نکول شده)

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی

شماره ۹

به‌عنوان یکی از

استانداردهای آینده مؤثر بر

شفافیت صورتهای مالی بانکها

در صورتی که

به‌صورت کامل و محتوایی اجرایی شود

وضعیت مالی و

عملکرد بانکها را

به‌شکل واقع‌گرایانه‌ای

آشکار خواهد کرد

در عمل وابسته به اطلاعات گذشته است. برای مثال، در روش نرخ زیان که در ارزیابیهای گروهی استفاده می‌شود، نیاز به بانک اطلاعاتی جامعی در مورد تعداد و میزان تسهیلات نکول شده و دیگر سوابق مرتبط به تفکیک گروه‌های مختلف است که به‌نظر می‌رسد در حال حاضر چنین اطلاعاتی در بانکهای بزرگ و قدیمی کشور وجود ندارد. از طرفی، برخی بانکهای نوپا نیز با توجه به نبود سوابق تاریخی با مشکل مشابهی روبه‌رو هستند.

همچنین، پیش‌بینی وضعیت اقتصادی آینده و به‌کارگیری اطلاعات آینده در بحث اندازه‌گیری زیان اعتباری مورد انتظار از جمله موارد چالش‌برانگیز در اجرای الگوی جدید است. برای مثال، در روش نرخ زیان، نرخ‌های که از اطلاعات تاریخی به‌دست می‌آید باید به‌شکل مناسبی و متناسب با اطلاعات جاری و آینده، تعدیل شود که به‌طور مسلم چنین تعدیلهایی با توجه به تفاوت‌های متفاوت، بحث‌برانگیز خواهد بود. همانطور که از نظر گذرانندیم، چارچوب ارائه‌شده برای اندازه‌گیری زیانهای اعتباری، بسیار کلی بوده و رد پای استانداردهای اصول محور در این حوزه به‌خوبی مشهود است. البته به‌نظر می‌رسد که یکی از دلایل این کلی‌گویی، پوشش دادن ابزار مالی متفاوت و جلوگیری از بیان موارد متعدد استثنایی و خاص است. با توجه به بیان اصول کلی در این بخش، در بخش بعدی بحث اندازه‌گیری را به‌شکل ملموس‌تر و عملیاتی‌تری تشریح خواهیم کرد.

اندازه‌گیری زیان اعتباری مورد انتظار به‌شکل عملیاتی

زیان اعتباری مورد انتظار، برآورد وزنی-احتمالی زیانهای اعتباری است که از تنزیل تفاوت کل وجوهی که انتظار می‌رود بانک دریافت کند و کل وجوهی که باید طبق قرارداد دریافت شود، اندازه‌گیری خواهد شد. به عبارت دیگر، در این روش وجوهی را که انتظار وصول آنها وجود نداشته و احتمال داده می‌شود که وصول نمی‌شود، برآورد و سپس تنزیل می‌کنیم. اگر بخواهیم از کلی‌گویی فاصله گرفته و زیان اعتباری مورد انتظار را به‌شکل عملیاتی اندازه‌گیری کنیم، به ۳ داده کلیدی احتمال نکول (PD)، زیان با فرض نکول (LGD) و منابع در معرض نکول (EAD)، احتیاج داریم. این داده‌ها

نباشد؛ زیرا با افزایش در سطح به‌کارگیری احتمالها در حوزه اندازه‌گیری زیان اعتباری در صورتهای مالی بانکها، زمینه بروز چالش وجود دارد. در برخی از شرایط برای تعیین مبلغ وزنی احتمالی، می‌توان از میانگین زیان اعتباری گذشته در گروه‌های با ویژگیهای مشابه استفاده کرد (روش نرخ زیان) که به‌نسبت، ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر است و در برخی دیگر باید سناریوهای مرتبط با زمان و مبلغ جریانهای نقدی و احتمالهای مربوط به آنها برآورد شود.

ب- ارزش زمانی پول: زیان اعتباری مورد انتظار در تاریخ گزارشگری مالی باید به نرخ بهره مؤثر در تاریخ شناخت اولیه تنزیل شود. موضوع تنزیل، همواره از مباحث بحث‌برانگیز گزارشگری مالی در کشور ما بوده است؛ اگرچه تنزیل در برخی از استانداردهای ملی نیز الزام شده، ولی در عمل توجه چندانی به آن نشده است.

ج- اطلاعات معقول و قابل اتکا در مورد رویداد گذشته، وضعیت حال و وضعیت اقتصادی آینده پیش‌بینی‌پذیر که بدون هزینه و تلاش زیاد در تاریخ گزارشگری در دسترس است: بخشی از فرایند اندازه‌گیری زیان اعتباری،

باشد. بنابراین، پیاده‌سازی زیان اعتباری مورد انتظار برای این بانکها به نسبت بانکهای ایرانی، ساده‌تر است.

جمع بندی

با توجه به آنچه از نظر گذرانیدیم، پیش‌بینی می‌شود که پیاده‌سازی الگوی جدید زیان اعتباری مورد انتظار به یک انقلاب تمام‌عیار در بانکها و گزارشگری مالی آنها منجر می‌شود. با آشکار شدن وضعیت مالی بانکها و افزایش سطح شفافیت حاصل از الگوی جدید، پرسشهای متعددی در اذهان عمومی ایجاد خواهد شد؛ اینکه وضعیت فعلی نظام پولی و بانکی کشور در نتیجه چه بوده است؟ مشکل اصلی کجاست؟ کدامیک از مصوبه‌های تحمیلی مانند تسهیلات تکلیفی، بانکها را به چنین پرتگاهی کشانده است؟ به‌طور خلاصه، چرا با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم و برای خروج از بحران فعلی چه اقدامهای خرد و کلانی باید انجام شود؟



پانوشتها:

1- Expected Credit Losses (ECL)

۲- این الگو در مقاله‌ای با عنوان «کاهش ارزش تسهیلات اعطایی بانکها طبق استاندارد بین‌المللی ۳۹» در شماره ۸۸ مجله حسابرس به تفصیل بحث شده است که علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر به الگوی یادشده مراجعه کنند.

3- General Approach

منابع:

- Delloitte, **IFRS 9 Implementation (Seminar)**, 2014
- EY, **Impairment of Financial Instruments under IFRS 9**, <http://www.ey.com>, 2014
- EY, **Generally Accepted Accounting Practice under IFRS**, <http://www.ey.com>, 2016
- IASB, **International Financial Reporting Standard 9 Financial Instruments**, www.ifrs.org, 2014
- Liong Tong T., **A Review of the Expected Credit Loss Model of IFRS 9 Financial Instruments**, www.masb.org.my, 2014
- Watts R.L., **Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications**, Accounting Horizons, Vol. 17, No. 3, September 2003, pp. 207-

به‌وسیله الگوهای آماری توسعه یافته داخلی و دیگر اطلاعات تاریخی به‌دست آمده و با توجه وضعیت جاری و اطلاعات پیش‌بینی شده آینده، تعدیلهایی در آنها لحاظ می‌شود.

احتمال نکول، نشان‌دهنده میزان احتمالی است که پیش‌بینی می‌شود وام نکول شود. برآورد احتمال نکول براساس الگوهای رتبه‌بندی آماری انجام می‌شود. الگوهای آماری یادشده براساس اطلاعات کمی و کیفی در دسترس برای مشتریان و گروه‌ها تهیه می‌شود. زیان با فرض نکول، نشان‌دهنده مبلغی از تسهیلات است که در صورت نکول شدن از دست می‌رود. ارزش وثیقه‌ها در محاسبه این عامل تأثیر به‌سزایی دارد. به زیان ساده و با در نظر نگرفتن پیچیدگیهای محاسباتی، می‌توان گفت این متغیر نشان‌دهنده برآوردی از درصد مبلغ تسهیلات است که پیش‌بینی می‌شود باز یافت نشود. منابع در معرض ریسک نکول نیز مبلغ دفتری ناخالص تسهیلات است. ضرب سه عامل یادشده در یکدیگر و تنزیل حاصل آن با نرخ بهره مؤثر تسهیلات تنزیل شده، معرف حساب انباشته زیان اعتباری مورد انتظار خواهد بود.

این مفاهیم در حوزه گزارشگری مالی بانکهای کشور، مفاهیم بیگانه‌ای به‌شمار می‌رود. در واقع، بدون وجود این سه عامل، محاسبه زیان اعتباری مورد انتظار ممکن نخواهد بود. از طرفی، اندازه‌گیری اقلام مورد بحث، تنها یک محاسبه ساده نبوده و نیاز به زیرساختهای نرم‌افزاری مناسب و سامانه‌های متنوع مرتبط با یکدیگر و دانش فنی دارد. با توجه به اندک فرصت باقیمانده، بانکها باید به‌سرعت زیرساختهای مناسب برای محاسبه این متغیرها را فراهم کرده و با وضع کنترل‌های داخلی قوی بر این محاسبه‌ها، اتکاپذیری این اقلام را افزایش دهند. همچنین، حساب‌برسان بانکی کشور باید با این مفاهیم آشنا شوند؛ زیرا این محاسبات اقلام صورتهای مالی بانکها را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهند داد و در صورت نبود آشنایی کافی با این متغیرها، ممکن است صورتهای مالی دچار تحریف شود. از آنجا که محاسبه این متغیرها در مقررات بین‌المللی کمیته بال (Basel) وجود دارد، بانکهای بین‌المللی زیرساخت لازم برای محاسبه این متغیرها را از قبل داشته و با انجام برخی تعدیلهای روی این متغیرها، آنها را به‌شکلی محاسبه می‌کنند که با الزامهای استاندارد بین‌المللی نیز همخوانی داشته